

از "دیالوگ انتقادی" تا حمایت علنی

پیرامون سیاستهای ارتجاعی اتحادیه اروپا در حمایت از رژیم جمهوری اسلامی

محمد شکوهی

mshokohi@web.de

در هفته های اخیر دهها نفر در ایران اعدام شده اند. بر اساس گزارشات سازمانهای مدافع حقوق بشر و اعترافات کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و با استناد به گزارشات سازمان عفو بین الملل اعدام ها در ایران افزایش بی سابقه ای یافته است. در کنار اعدام های در ملا عام، سنگسار و انواع و اقسام احکام و مجازات کثیف و ضد بشری اسلام نظیر قطع دست و پا، شلاق زدن در ملا عام، حلق آویز کردن، اعدام های مخفی و بی سر و صدا در زندانها و بازداشتگاههای رژیم اسلامی تبدیل به نرم عادی شده است. در یک چنین شرایطی دار و دسته های رنگارنگ حکومتی مدام بر "نشان دادن ابهت نظام" تاکید کرده و خواهان برخورد جدی با "بر هم زدن نظم و امنیت جامعه" شده و می شوند. به هر مناسبتی و در هر روزی سران رژیم، مسئولین قوه قضائیه اش، روسای زندانهایش مردم را تهدید به سرکوب و اعدام کرده و می کنند. در یک چنین اوضاع و احوالی مقامات و سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای گسترش روابط کثیف سیاسی و اقتصادی شان با رژیم صدهزار اعدام یکی پی از دیگری راهی ایران شده و به دست بوس خامنه ای و خاتمی و جانیان اسلامی می شتابند. در طول نزدیک به یک ماه و اندی که بیشترین اعدام ها در ملا عام در ایران ادامه داشته، مقامات و وزرای دولت های اروپایی وسیع ترین دیدار ها و نشست هارا با مقامات رژیم جمهوری اسلامی داشته اند. فقط در طول دو ماهه گذشته در بروکسل و تهران بیش از شش بار نمایندگان اتحادیه اروپا با رژیم جمهوری اسلامی نشستهای وسیع داشته که تم اصلی آن گسترش و راههای بهبود روابط دو طرف بوده است. در طول همین مدت سران و مقامات بلندپایه رژیم اسلامی دهها بار به کشورهای مختلف اروپایی سفر کرده و مورد استقبال مقامات دولتهای اروپایی قرار گرفته اند. سیاست اتحادیه اروپا در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی دیگر مثل دهه گذشته "مماشات جویانه" و بخشا "انتقادی" نبوده و نیست. سیاست رسمی این اتحادیه حمایت آشکار و علنی از رژیم جمهوری اسلامی و گسترش و بهبود روابطش با جمهوری اسلامی می باشد. چرخش هایی که به خصوص بعد از ۱۱ سپتامبر و رقابتهای جهانی که بین این اتحادیه و آمریکا و انگلیس بر سر تسلط و گسترش حیطه نفوذشان در منطقه خاورمیانه جریان داشته و دارد، مخالفت های این اتحادیه با "اتوماتیسم جنگی" بوش و گرایش سیاست خارجی این اتحادیه به "اقدام از طریق سازمان ملل" در رابطه با تهدیدات جنگی بوش بر علیه عراق اتحادیه اروپا را به اتخاذ سیاستهای حمایتی از رژیم هایی چون

جمهوری اسلامی و بر خی کشورهای مرتجع عربی کرده است. مبنا و اساس این سیاستها کنار آمدن با ارتجاعی ترین و ضد مردمی ترین رژیم های دیکتاتوری نظیر جمهوری اسلامی می باشد. اتحادیه اروپا با پیشگامی کشورهای چوآن آلمان، فرانسه، ایتالیا خواهان اتخاذ سیاستهای جدی حمایتی از رژیم جمهوری اسلامی شده اند. نظریه پردازان و تئوریسین های تئوری ارتجاعی "نسبیت فرهنگی" و هواداران "دیالوگ مذاهب" در هیبت رژیم جمهوری اسلامی عامل ثبات و امنیت در منطقه بحرانی خاورمیانه، تضمین کننده "صلح جهانی و شنیع تر و کثیف تر از همه کشف تازه شان" نقش اسلام در شکل دادن به سیمای بعد از پایان جهان دو قطبی" می باشد. اسلام و جمهوری اسلامی از نظر این کشورها باید از "انزوای سیاسی تحمیلی" که مهر دوره دیگری را که سپری شده را داشته باید بیرون آورده شده و وارد "دنیای متمدن" بشود. سیاستمدارانی چون گنشر و حزب لیبرالاش، شرودر و سوسیال دموکراتها و حزب سبزها در آلمان، احزاب راست افراطی در اتریش نظیر حزب آزادی اتریش، برلسکونی و حزب فورسا ایتالیایش، خوز ماریا ازنا و حزب مردمش و خیل احزاب و دار و دسته های چه در اپوزیسیون و چه در قدرت علنا و آشکارا سیاست حمایت از رژیم جمهوری اسلامی را در پیش گرفته اند. دلایل و توجیهاتی که سران و مقامات بلند پایه اتحادیه اروپا در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد بشری چون اعدام و سنگسار داشته و دارند، نفرت و انزجار هر انسان آزاده ای را بر می انگیزد. حقوق بشر این جنابان وقتی به حکومت جانیانی چون جمهوری اسلامی می رسد تبدیل به "رعایت قوانین و احترام به ارزش های دینی" می شود. اسلام و حکومت اسلامی با تمام جنون و جنایت و آدم کشی اش برای این دولتها تبدیل به عامل "ثبات" می شود. بی شرمانه در توجیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی "انتخابات آزاد" را به مردمشان نشان می دهند. زیر پای خاتمی و دوی خردادی فرش قرمز پهن کرده و راهی دست بوششان می شوند. در رسانه های عمومی شان به تعریف و تمجید از "رفرمیسم اسلامی" پرداخته و در برابر ابراز مخالفتها و مبارزات مردم ایران و نیروهای اپوزیسیون واژه "خشنونگرایان و اپوزیسیون برانداز" را به کار برده و مردمان کشورهای شان را بر علیه "مخالفین گسترش روابط طرفین" تحریک می نمایند. با وقاحتی چندش آور اندر باب "خدمات اسلام" و اهمیت "کشف دوباره الهیات رهایی بخش" و نقش آن البته منظورشان رژیم جمهوری اسلامی در برقراری صلح و ثبات و امنیت در منطقه را در بوق و کرنا کرده و برای "روشنفکران دینی" سمینار تشکیل داده و تریبون در اختیارشان قرار می دهند. گستاخانه حرف رژیم را در برخورد به اپوزیسیون به خصوص در برخورد با کمونیستها بر زبان می آورند. مردم کشورهای خودشان را با اتکا به مهندسی افکار رسانه های عمومی مدام بمباران تبلیغاتی کرده و مخالفین جمهوری اسلامی را مخالفین "دموکراسی های غربی و خشونتگرا" می نامند. در مورد اعدامها، سنگسار، قصاص و سرکوب روز مره مردم ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی با ادبیات و واژه های حکومت اسلامی حرف زده و سیاستهای ضد انسانی رژیم را تائید کرده و می کنند. در مجامع جهانی و کمیسیون های مربوط به "دفاع از حقوق بشر" با رژیم کنار آمده و حدود چند ماه پیش

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را قانع کردند تا رژیم جمهوری اسلامی را از لیست "کشورهای نقض کننده حقوق بشر" خارج نمایند. در ایتالیا از تلویزیون دولتی اش اندر باب "نقش خمینی و انقلاب اسلامی" برنامه پخش کرده و جلادی چون خمینی را "رهبر قدرتمندترین انقلاب قرن بیستم" لقب می دهند. در آلمان که یکی از شرکای اصلی و متحد استراتژیک رژیم اسلامی می باشد هر ماه سمینار و جلسات و کنفرانس های رنگارنگ بر پا کرده و با سران و دولتمردان رژیم صد هزار اعدام پای یک میز نشسته و لاس "دموکراسی و اسلام" و "حقوق زن در اسلام" را زده و با قاتلین و سرکوب کنندگان مردم ایران باب مذاکرات سیاسی و اقتصادی شان را می گشایند. سخنگوی دادگاه عالی اروپا حدود یک ماه پیش اعلام کرد که شورای نگهبان دفترش را در بروکسل افتتاح کرد. رومانو پرودی رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا از حقوق دانان اسلامی و قضات رژیم و نمایندگان قوه قضائیه دعوت کرده است تا اندر باب "مشورتهایی در خصوص تبیین و دیدگاههای اسلام در باره حقوق بشر" در بروکسل جلساتی برگزار بکنند. در ژنو از حدود یک سال پیش کمیسیونی تشکیل شده است که کارش "تلاش برای مطابقت حقوق بشر اسلامی با قوانین حقوق بشر جهانی" می باشد. کمیسیون حقوق بشر اسلامی رسماً و علناً از طرف کمیسیون حقوق بشر اروپا و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به عنوان یک "مرجع صاجب نظر" به رسمیت شناخته شده است. در کنار این سیاستهای اتحادیه اروپا در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی وسیعترین روابط سیاسی و اقتصادی را در طول دو سه سال گذشته این اتحادیه با ایران داشته است. در یک کلام اتحادیه اروپا زیر بال رژیم جمهوری اسلامی را گرفته، حمایت علنی و آشکارش را از رژیم صد هزار اعدام ارتقا داده، در برابر موج اعدام ها و سیاستهای سرکوبگرانه آن نه فقط ساکت نبوده، بلکه این اقدامات رژیم جمهوری اسلامی را تأیید کرده و می کند. دفاع اتحادیه اروپا از رژیم جمهوری اسلامی، تأیید سیاستهای سرکوبگرانه رژیم بر علیه مردم، در شرایطی به اوج خود رسیده است که رژیم جمهوری اسلامی از درون بشدت دچار اختلافات و چند دستگی بوده، مردم ایران مبارزات و اعتراضاتشان را برای به گور سپردن رژیم صد هزار اعدام گسترش داده، خطر سرنگونی رژیم توسط انقلاب مردم نه فقط یک احتمال، بلکه یک واقعیت پذیرفته شده از طرف خود سران رژیم اسلامی بوده، بی افقی و نگرانی از تحولات آینده ایران که یک شق اصلی آن مطرح شدن جدی جنبش و مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم می باشد، خواب آرام را از چشمان جانیمان اسلامی ربوده است. در یک چنین اوضاع و احوالی اتحادیه اروپا کمر به دفاع از نکبت اسلامی بسته و عملاً و آشکارا در برابر مردم ایران جانب رژیم اسلامی را گرفته است. از نظر مردم ایران این سیاستهای ضد انسانی کشورهای اروپایی و در راس آن اتحادیه اروپا نه فقط محکوم بوده و می باشد، بلکه اتحادیه اروپا با این سیاستهایش عملاً شریک جنایات رژیم بوده، از آن حمایت کرده و مدافع یکی از ارتجاعی ترین و خشن ترین دیکتاتورهای می باشد که بشریت به خود دیده است. بدون شک مردم ایران این حمایت اتحادیه اروپا از جانیمان اسلامی را فراموش نخواهند کرد. اتحادیه اروپا روی رژیمی حساب باز کرده که سرانش به جرم مرتکب شدن جنایت بر علیه بشریت

باید در دادگاههای مردمی به محاکمه کشیده شوند. حمایت از جنایتکاران و آدم کشان حتی با اتکا به قوانین خود این جنابان جرم می باشد. اتحادیه اروپا بر علیه مردم ایران و برای حفظ و نجات رژیم جمهوری اسلامی آستین هایش را بالا زده است. ولی دیگر خیلی دیر شده است. شانس گسترش و تشبیت روابط اتحادیه اروپا با رژیم جمهوری اسلامی همانقدر پایدار خواهد بود که خود رژیم اسلامی شانس بقا پیدا بکند. اتحادیه اروپا افتخار حمایت و دفاع از حکومت جمهوری اسلامی را کسب کرده است. بازی با کارت سوخته جمهوری اسلامی معنای دیگرش هراس و نگرانی اتحادیه اروپا از سرنگونی جمهوری اسلامی و ترسش از انقلاب آتی مردم ایران می باشد. انقلابی که برای همیشه ریشه اسلام و قوانین ارتجاعی و ضد بشری را به گورستان تاریخ سپرده و روسیاهی را نصیب شرکا و و هواداران جمهوری اسلامی خواهد کرد.

۵ آبان ۱۳۸۱ برابر با ۲۷ اکتبر ۲۰۰۲